

قال رسول الله ﷺ: «إِسْمُؤُلٌ وَإِنْكُمْ مَوْؤُلُونَ»



❖ عدد و معدود

مبحث عدد و معدود از جمله مباحثی است که برای آموزش کامل آن باید مفصلاً به آن پرداخت؛ در سالهای گذشته و در درس اول این کتاب توضیحاتی راجع به اعداد یک تا دوازده داده شد؛ در این درس نیز به صورت کاربردی و در حد کتاب توضیحات تکمیلی بیان خواهد شد.

جدول اعداد				
أعداد بیست تا ...	أعداد ترتیبی یک تا بیست		أعداد اصلی یک تا بیست	
	مؤنث	مذكر	مؤنث	مذكر
۲۰- عِشْرُونَ - عِشْرِينَ	۱- الْأُولَى	۱- الْأَوَّلُ	۱- وَاحِدَةٌ	۱- وَاحِدٌ
۳۰- ثَلَاثُونَ - ثَلَاثِينَ	۲- الثَّانِيَةُ	۲- الثَّانِي	۲- اثْنَتَانِ وِ اثْنَتَيْنِ	۲- اثْنَانِ وِ اثْنَيْنِ
۴۰- أَرْبَعُونَ - أَرْبَعِينَ	۳- الثَّلَاثَةُ	۳- الثَّلَاثِ	۳- ثَلَاثَةٌ	۳- ثَلَاثٌ
۵۰- خَمْسُونَ - خَمْسِينَ	۴- الرَّابِعَةُ	۴- الرَّابِعِ	۴- أَرْبَعَةٌ	۴- أَرْبَعٌ
۶۰- سِتُونَ - سِتِينَ	۵- الْخَامِسَةُ	۵- الْخَامِسِ	۵- خَمْسَةٌ	۵- خَمْسٌ
۷۰- سَبْعُونَ - سَبْعِينَ	۶- السَّادِسَةُ	۶- السَّادِسِ	۶- سِتَّةٌ	۶- سِتٌّ
۸۰- ثَمَانُونَ - ثَمَانِينَ	۷- السَّابِعَةُ	۷- السَّابِعِ	۷- سَبْعَةٌ	۷- سَبْعٌ
۹۰- تِسْعُونَ - تِسْعِينَ	۸- الثَّمَانِيَةُ	۸- الثَّمَانِي	۸- ثَمَانِيَةٌ	۸- ثَمَانِيٌ
۱۰۰- مِائَةٌ - مِئَةٌ	۹- التَّاسِعَةُ	۹- التَّاسِعِ	۹- تِسْعَةٌ	۹- تِسْعٌ
۲۰۰- مِائَتَانِ - مِائَتَيْنِ	۱۰- الْعَاشِرَةُ	۱۰- الْعَاشِرِ	۱۰- عَشْرَةٌ	۱۰- عَشْرٌ
۳۰۰- ثَلَاثِمِائَةٍ	۱۱- الْحَادِيَةُ عَشْرَةٌ	۱۱- الْحَادِي عَشَرَ	۱۱- إِحْدَى عَشْرَةَ	۱۱- أَحَدَ عَشَرَ
۸۰۰- ثَمَانِمِائَةٍ	۱۲- الثَّانِيَةُ عَشْرَةٌ	۱۲- الثَّانِي عَشَرَ	۱۲- اثْنَتَا عَشْرَةَ	۱۲- اثْنَاعَشَرَ
۹۰۰- تِسْعِمِائَةٍ	۱۳- الثَّلَاثَةُ عَشْرَةٌ	۱۳- الثَّلَاثِ عَشَرَ	۱۳- ثَلَاثَ عَشْرَةَ	۱۳- ثَلَاثَةَ عَشَرَ
۱۰۰۰- أَلْفٌ	۱۴- الرَّابِعَةُ عَشْرَةَ	۱۴- الرَّابِعِ عَشَرَ	۱۴- أَرْبَعَ عَشْرَةَ	۱۴- أَرْبَعَةَ عَشَرَ
۲۰۰۰- أَلْفَانِ - أَلْفَيْنِ	۱۵- الْخَامِسَةُ عَشْرَةَ	۱۵- الْخَامِسِ عَشَرَ	۱۵- خَمْسَ عَشْرَةَ	۱۵- خَمْسَةَ عَشَرَ
۳۰۰۰- ثَلَاثَةُ آلَافٍ	۱۶- السَّادِسَةُ عَشْرَةَ	۱۶- السَّادِسِ عَشَرَ	۱۶- سِتَّ عَشْرَةَ	۱۶- سِتَّةَ عَشَرَ
۱۰۰۰۰- عَشْرَةُ آلَافٍ	۱۷- السَّابِعَةُ عَشْرَةَ	۱۷- السَّابِعِ عَشَرَ	۱۷- سَبْعَ عَشْرَةَ	۱۷- سَبْعَةَ عَشَرَ
۱۰۰۰۰۰- مِائَةُ أَلْفٍ	۱۸- الثَّمَانِيَةُ عَشْرَةَ	۱۸- الثَّمَانِ عَشَرَ	۱۸- ثَمَانِيَةَ عَشْرَةَ	۱۸- ثَمَانِيَةَ عَشَرَ
۱۰۰۰۰۰۰- مِليون	۱۹- التَّاسِعَةُ عَشْرَةَ	۱۹- التَّاسِعِ عَشَرَ	۱۹- تِسْعَ عَشْرَةَ	۱۹- تِسْعَةَ عَشَرَ
۱۰۰۰۰۰۰۰- مِليار	۲۰- الْعِشْرُونَ	۲۰- الْعِشْرُونَ	۲۰- عِشْرُونَ	۲۰- عِشْرِينَ

السؤال

۵۰- اِنتَخِبْ عَدَدَ الْجُمْلَةِ بِالْحُرُوفِ: « إِنَّ عَدَدَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ ۱۲ شَهْرًا. »

أ) اِثْنَانِ (ب) اِثْنَاعَشَرَ (ج) الثَّانِي (د) الثَّانِي عَشَرَ

الجواب

در آیه آمده است که تعداد ماهها نزد خداوند دوازده ماه است؛ عدد دوازده به حروف اِثْنَاعَشَرَ می باشد و معنای الثَّانِي عَشَرَ ، دوازدهم می باشد لذا جواب سؤال گزینه « ب » است.

السؤال

۵۱- اِنتَخِبْ لِلْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا: « الشَّهْرُ فِي السَّنَةِ الْاِيرَانِيَّةِ شَهْرُ خُرْدَاد. »

أ) الثَّانِي (ب) الرَّابِعُ (ج) الثَّلَاثُ (د) الْخَامِسُ

الجواب

.....
.....

❖ أعداد أصلي و أعداد ترتیبی

✓ به عددهای یک ، دو ، سه و ... أعداد اصلی و به عددهای یکم ، دوم ، سوم و ... أعداد ترتیبی می گویند؛ مانند:

﴿ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ﴾ هر کس کار نیکي بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد.

الفصل الثالث في السنة الإيرانية فصل الحريف. فصل سوم در سال ایرانی فصل پاییز است.

✓ به واحد شمارش عدد و به آنچه شمرده می شود معدود می گویند؛ عددهای اصلی یک و دو ، بعد از معدود و سایر أعداد اصلی معمولاً قبل از معدود می آیند؛ مانند:

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ. خدای شما، تنها خدای یگانه است. (إله: معدود - واحد: عدد)

قَرَأْتُ أَحَدَ عَشَرَ كِتَابًا. یازده کتاب خواندم. (أحد عشر: عدد - كتاباً: معدود)

✓ أعداد ترتیبی معمولاً نقش صفت را دارند و بر وزن اسم فاعل می آیند بجز عدد « أَوَّلُ » که مؤنث آن « أُولَى » است؛

مانند: « الدَّرْسُ الْأَوَّلُ ، الصَّفْحَةُ الْأُولَى ، الدَّرْسُ الثَّانِي ، الصَّفْحَةُ الثَّانِيَّةُ ، ... »

✓ أعداد ترتیبی بعد از معدود می آیند؛ مانند: قَرَأْتُ الدَّرْسَ السَّادِسَ مِنَ الْكِتَابِ. درس ششم از کتاب را خواندم.

✓ ساعتها نیز با أعداد ترتیبی می آیند اما به صورت أعداد اصلی ترجمه می شوند؛ مانند:

السَّاعَةُ الْآنَ الْعَاشِرَةُ. الآن ساعت ده است.

❖ نامگذاری أعداد

مُفْرَد: أعداد ۱ تا ۱۰ و أعداد ۱۰۰ ، ۱۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰۰۰۰ و ... (أعداد یک بخشی)

مُرَكَّب: أعداد ۱۱ تا ۱۹ (أعداد دو بخشی)

عُقُود: أعداد ۲۰ ، ۳۰ ، ۴۰ ، ۵۰ ، ۶۰ ، ۷۰ ، ۸۰ و ۹۰ (أعداد یک بخشی با علامت جمع)

مَعْطُوف: أعداد ۲۱ تا ۲۹ ، ۳۱ تا ۳۹ ، ... ، ۹۱ تا ۹۹ و ... (أعدادی دو یا چند بخشی که بینشان حرف عطف « وَ » هست.)

❖ قواعد أعداد (برای آگاهی بیشتر)

مباحث مطابقت ، عدم مطابقت و ویژگیهای ریز عدد و معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما آگاهی از این قواعد می تواند ما را در انجام بهتر ، صحیحتر و سریعتر تمرین کتاب یاری نماید.

❖ عدد ۱ و ۲

همانگونه بیان شد عدد ۱ و ۲ پس از اسم خودشان یعنی معدود می آیند و نقش صفت تأکیدی را دارند. بنابر این، این أعداد همانند صفت، در جنس (مذکر و مؤنث) ، عدد (مفرد ، مثنی ، جمع) و حرکات (ـَـ ـِـ ـُـ) با معدود خود مطابقت می کنند؛

مانند: قَرَأْتُ كِتَابًا وَاحِدًا. قَرَأْتُ مَجَلَّةً وَاحِدَةً. هَذَانِ، طَائِرَانِ اِثْنَانِ. رَأَيْتُ هَدْيَيْنِ الطَّائِرَيْنِ الْاِثْنَيْنِ. هَاتَانِ، طَائِرَتَانِ اِثْنَتَانِ. رَأَيْتُ هَاتَيْنِ الطَّائِرَتَيْنِ الْاِثْنَتَيْنِ.

❖ اعداد ۳ تا ۱۰

اعداد ۳ الی ۱۰ معمولاً به صورت مفرد می آیند و بر اساس نقشی که می پذیرند حرکت می گیرند؛ این اعداد از نظر جنس مغایر (برعکس) معدودند و معدود نیز بعد از اعداد به صورت جمع و مجرور می آید و نقش مضاف الیه را دارد؛ مانند: *إِشْتَرَيْتُ سَبْعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ خَمْسَ مَجَلَّاتٍ. فِي الْمَعْمَلِ أَرْبَعَةُ عَامِلِينَ.*

✓ معیار برای تعیین مذکر و یا مؤنث بودن معدود، شکل مفرد آن است.

✓ معدود در اعداد اصلی به هر صورت که باشد به صورت مفرد ترجمه می شود؛ مانند: *خمسَةُ كُتُبٍ*. پنج کتاب

❖ عدد ۱۱

عدد مُرْكَبٌ ۱۱ دو حالت بیشتر ندارد:

« أَحَدَ عَشَرَ » برای معدود مذکر و « إِحْدَى عَشْرَةَ » برای معدود مؤنث و هر دو جزء آن مبنی بر فتح است.

معدود در عدد « ۱۱ »، مُفْرَدٌ و منصوب می باشد و نقش تمییز را دارد؛ مانند:

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا. صَلَاةَ اللَّيْلِ إِحْدَى عَشَرَ رُكْعَةً.

❖ عدد ۱۲

عدد مُرْكَبٌ ۱۲ چهار حالت دارد:

دو حالت برای مذکر « اثْنَا عَشَرَ ، اثْنَى عَشَرَ » و دو حالت برای مؤنث « اثْنَتَا عَشْرَةَ ، اثْنَتَى عَشْرَةَ » .

جزء اول عدد « ۱۲ » معرب بوده و همانند مثنی با آن عمل می شود و جزء دوم آن مبنی بر فتح است .

معدود در عدد « ۱۲ »، مُفْرَدٌ و منصوب می باشد و نقش تمییز را دارد؛ مانند:

فِي الْمَكْتَبَةِ اثْنَا عَشَرَ كِتَابًا. فِي الْحَدِيقَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ وَرْدَةً. إِشْتَرَيْتُ إِثْنَى عَشَرَ قَلَمًا. جَمَعْتُ إِثْنَتَى عَشْرَةَ تَفَاحَةً.

❖ اعداد ۱۳ تا ۱۹

اعداد مُرْكَبٌ ۱۳ تا ۱۹ دو جزء دارند؛ جزء اول یعنی رقم یکان آن از نظر جنس (مذکر و مؤنث) مغایر (برعکس) معدود است و جزء دوم یعنی رقم دهگان آن از نظر جنس (مذکر و مؤنث) مطابق معدود است.

ضمناً هر دو جزء این اعداد مبنی بر فتح بوده و معدود آن مفرد و منصوب است؛ مانند:

كَانَتْ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَفِينَةً فِي الْبَحْرِ. نَجَّحَ فِي الْإِمْتِحَانِ ثَلَاثَةَ عَشَرَ طَالِبًا.

❖ اعداد ۲۰ ، ۳۰ ، ... تا ۹۰

اعداد عُقُودٌ (۲۰ ، ۳۰ ، ... ، ۹۰) همانند جمع مذکر سالم هستند لذا از نظر جنس همیشه مذکرند؛ معدود نیز در این اعداد مفرد و منصوب است؛ مانند: *أَيَّامُ الْخَرِيفِ، تِسْعُونَ يَوْمًا. قَرَأْتُ عِشْرِينَ صَفْحَةً مِنَ الْكِتَابِ.*

❖ اعداد ۲۱ تا ۲۹ ، ۳۱ تا ۳۹ ، ... ، ۹۱ تا ۹۹ و ... :

رقم یکان در اعداد معطوف (۲۱ تا ۲۹ ، ۳۱ تا ۳۹ ، ... ، ۹۱ تا ۹۹ و ...) قبل از دهگان می آید و از لحاظ جنس در برابر معدود، همانند ۱ تا ۱۰ است و رقم دهگان آن همانند جمع مذکر سالم بوده و از نظر جنس همیشه مذکر است؛ معدود نیز در این اعداد مفرد و منصوب است؛ مانند: *فِي الْمَدْرَسَةِ وَاحِدَةٌ وَ سَبْعُونَ طَالِبَةً. فِي الطَّائِرَةِ سَبْعَةٌ وَ تِسْعُونَ مُسَافِرًا.*

❖ اعداد ۱۰۰ ، ۲۰۰ ، ۳۰۰ و ...

اعداد ۱۰۰ ، ۲۰۰ ، ... ، ۹۰۰ ، ۱۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰۰ ، ۱۰۰۰۰۰۰ و ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ از نظر جنس همیشه ثابتند؛ معدود در این اعداد مفرد و مجرور است؛ مانند: *فِي الْمَدْرَسَةِ ثَلَاثُمِائَةٍ تَلْمِيذٍ. يَنْتَشِرُ أَكْثَرُ مِنَ أَلْفِ صَحِيفَةٍ فِي إِيرَانَ.*

۵۲- اِتْتَخِبْ لِلْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا: ﴿ لَا تَتَّخِذُوا الْهَيْنِ ﴾

السؤال

(د) اِثْنَتَيْنِ

(ج) اِثْنَانِ

(ب) اِثْنَيْنِ

(ا) اِثْنَانِ

کلمه اِثْنَيْنِ در آیه فوق معدود است و عدد « دو » در جای خالی نقش صفت را دارد لذا عدد باید از نظر جنس (مذکر و مؤنث) و تعداد (مفرد، مثنی، جمع) با معدود (اِثْنَيْنِ) مطابقت نماید بنابر این گزینه « ب » که مثلاً مذکر است و با معدود (اِثْنَيْنِ) مطابقت می نماید، جواب صحیح می باشد.

الجواب

السؤال

۵۳- اِنْتخِبَ لِلْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا: ﴿ اِنِّي رَأَيْتُ كَوَكْبًا ﴾
 (أ) أَحَدَ عَشَرَ (ب) إِحْدَى عَشْرَةَ (ج) أَحَدَ عَشْرَةَ (د) إِحْدَى عَشَرَ

الجواب

.....

السؤال

۵۴- اِنْتخِبَ لِلْفَرَاغِ مَعْدُودًا مُنَاسِبًا: « طُولُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتُّهُ »
 (أ) مِثْرٍ (ب) مِثْرًا (ج) أَمْتَارٍ (د) أَمْتَارًا

الجواب

.....

السؤال

۵۵- اِنْتخِبَ الْعَدَدَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: « النَّافِذَةُ مِنْ نَوَافِذِ الْمَدْرَسَةِ مَفْتُوحَةٌ. »
 (أ) وَاحِدٌ (ب) الْوَاحِدُ (ج) أَوْلَى (د) الْأَوْلَى

الجواب

.....

السؤال

۵۶- اِنْتخِبَ الْعَدَدَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: « فِي مَدْرَسَتِنَا مُكَيِّفَاتٍ. »
 (أ) أَرْبَعٌ (ب) أَرْبَعَةٌ (ج) الرَّابِعُ (د) الرَّابِعَةُ

الجواب

گزینه « ج » و « د » عدد ترتیبی است که با معدود (مُكَيِّفَاتٍ) همخوانی ندارد. بین عدد « أَرْبَعٌ » و « أَرْبَعَةٌ » گزینه « ب » را انتخاب می کنیم چون عدد چهار از نظر جنس مغایر معدود است.

السؤال

۵۷- اِنْتخِبَ الْعَدَدَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: « جُنُودٌ وَاقْفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْتَظَمَةِ. »
 (أ) ثَلَاثٌ (ب) ثَلَاثَةٌ (ج) الثَّالِثُ (د) الثَّالِثَةُ

الجواب

.....

السؤال

۵۸- عَيَّنِ الْخَطَأَ: (سراسری انسانی ۸۲)
 (أ) لَمْ يَحْضُرِ الْيَوْمَ فِي الْمَدْرَسَةِ خَمْسَةٌ طُلَّابٍ. (ب) طَالَعْتُ فِي الصَّحِيْفَةِ ثَلَاثَةَ مَقَالَةٍ عِلْمِيَّةٍ.

الجواب

(ج) قَرَأْتُ مِنَ الْكِتَابِ صَفْحَتَيْنِ إِثْنَتَيْنِ. (د) شَاهَدْتُ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرِ طَالِبَاتٍ مُجِدَّاتٍ.
 درگزینه « ب » بعد از عدد « ثَلَاثَةُ » معدود مفرد آمده که این خلاف قواعد عدد و معدود است و باید جمع باشد.

❖ چهار عمل اصلی

به عملیات جمع (+)، تفریق (-)، ضرب (×) و تقسیم (÷) چهار عمل اصلی می گویند.
 در زبان عربی آنها را چگونه می نویسند؟

✓ به عمل جمع، زائد می گویند؛ می نویسند: خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدَ خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

(۷۵ به علاوه ۲۵ مساوی است با ۱۰۰)

✓ به عمل تفریق، ناقص می گویند؛ می نویسند: تِسْعُونَ نَاقِصَ أَرْبَعِينَ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

(۹۰ منهای ۴۰ مساوی است با ۵۰)

✓ به عمل تقسیم، نَقْسِيمٌ عَلَيَّ می گویند؛ می نویسند: مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَيَّ خَمْسَةِ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

(۱۰۰ تقسیم بر ۵ مساوی است با ۲۰)

✓ به عمل ضرب، ... فِي می گویند؛ می نویسند: عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.

(۱۰ ضرب در ۳ مساوی است با ۳۰)



دانلود از پایگاه نشریات

السؤال

۵۹- اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:
« مِثْلُهُ تَقْسِيمٌ عَلَى أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي »

(أ) أَرْبَعُونَ (ب) خَمْسُونَ (ج) خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ (د) خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ

الجواب

.....
.....

السؤال

۶۰- اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:
« خَمْسُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثِينَ يُسَاوِي »

(أ) عِشْرُونَ (ب) ثَلَاثُونَ (ج) خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ (د) خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ

الجواب

.....
.....

السؤال

۶۱- اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:
« سِتُّونَ زَائِدٌ خَمْسَةَ عَشَرَ يُسَاوِي »

(أ) سَبْعُونَ (ب) تِسْعُونَ (ج) خَمْسَةٌ وَسَبْعُونَ (د) خَمْسَةٌ وَثَمَانُونَ

الجواب

.....
.....

السؤال

۶۲- اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:
« عَشْرَةٌ فِي خَمْسَةٍ يُسَاوِي »

(أ) سِتُّونَ (ب) خَمْسُونَ (ج) خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ (د) خَمْسَةٌ وَخَمْسُونَ

الجواب

.....
.....

فَن تَرْجَمَهُ

همانگونه که در صفحه « ۱۴ » گذشت، برخی از أفعال هستند که معمولاً با حروف خاصی آمده و همراه با آن حروف ترجمه می شوند. یک بار دیگر به این أفعال و ترجمه آنها توجه نمایید:

أَجَابَ عَنْ : پاسخ داد به	بَحَثَ عَنْ : دنبال...گشت	بَدَأَ بِ : شروع کرد به
بَعُدَ عَنْ : دور شد از	قَرَّبَ مِنْ : نزدیک شد به	مَلَأَ بِ : پُر شد از
دَهَبَ بِ : بُرد	سَخَّرَ مِنْ : مسخره کرد	شَعَرَ بِ : احساس ... کرد
سَمَحَ لـ : اجازه داد به	عَزَمَ عَلَى : تصمیم گرفت	حَصَلَ عَلَى : به دست آورد
جاءَ بِ : آورد	أَتَى بِ : آورد	قَامَ بِ : انجام داد ، پرداخت

السؤال

۶۳- عَيِّنِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ:

- (أ) قَامَتِ الطَّالِبَةُ وَ سَأَلَتِ الْمُدْرِسَةَ! دانش آموز إقدام به پرسش از معلم کرد.
(ب) قَامَتِ الطَّالِبَةُ بِإِطْفَاءِ الْمُكَيِّفِ! دانش آموز برخاست و کولر را خاموش کرد.
(ج) ما بَقِيَتْ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا زَمِيلَاتُهَا! چه کسی جز دوستانش در مدرسه باقی ماندند؟
(د) أَخْبَرْتُنَا بِمَا شَاهَدْتِ فِي الصَّفِّ! او را به آنچه مشاهده نمود با خبر ساخت.

الجواب

در گزینه « أ » فعل « قَامَت » بدون حرف « بِ » به معنای برخاست می باشد، در گزینه « ب » فعل « قَامَت » همراه با حرف « بِ » قبل از کلمه « إطفاء » آمده است بنابراین این باید به صورت اقدام کرد ترجمه شود و در گزینه « ج » با توجه به حرف « إِلَّا » می فهمیم که « ما » در « ما بَقِيَتْ » حرف نفی است لذا گزینه صحیح گزینه « د » است.

السؤال

٦٤- عَيْنَ الْخَطَا فِي تَرْجِمَةِ الْعِبَارَاتِ:

- (أ) جَاءَ النَّبِيُّ بِدِينِ الْحَقِّ. پیامبر دین حق را آورد.
 (ب) كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَقُومُ بِتَلْوِينِ رَسْمِهِ الْجَمِيلِ.
 برادرم کوچک بود، که به رنگ آمیزی نقاشی زیبایش اقدام کرد.
 (ج) قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْحَفْلَةِ.
 پدر بزرگم در جشن، به پخش هدیه ها میان پسران و دختران پرداخت.
 (د) جَاءَتْ أُمِّي بِالطَّعَامِ لِصُيُوفِنَا الْأَعْرَاءِ. مادرم برای مهمانان عزیزمان غذا آورد.

الجواب

٦٥- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ: « أَنْبُوبٌ لِفَتْحِ تَيَّارِ الْمَاءِ وَ إِغْلَاقِهِ »

- (أ) الْمَكِّيْفُ (ب) الْأَحْتَفِيَّةُ (ج) التُّفَايَةِ (د) الْهَاتِفُ

الجواب

٦٦- عَيْنَ الْخَطَا:

(سراسری زبان ۸۹)

- (أ) الظُّلْمُ عَلَى الضَّعِيفِ أَقْبَحُ الظُّلْمِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ مَذْمُومٌ.
 ظلم برضعیف، زشت ترین ظلم است و این کار ناپسند است.
 (ب) الزَّاهِدُونَ يَجْتَنِبُونَ الْخَطِيئَاتِ، وَ هَؤُلَاءِ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ.
 زاهدان از خطاها دوری می کنند، و این ها پیش خدا محبوبند.
 (ج) النَّاسُ يُذْنِبُونَ وَ قَلِيلٌ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدْنِبِينَ يَتُوبُونَ.
 مردم گناه می کنند و عده کمی از این ها گناهکارانی هستند که توبه می کنند.
 (د) يَعْْبُدُ الْعَابِدُونَ اللَّهَ فِي اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ هَذَا اللَّيْلُ كَسْتَرٍ لَهُمْ.
 عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می کنند و این شب مانند پوششی برای آنهاست.
 ترجمه عبارات مزبور بر اساس اسم اشاره و مشارالیه آمده است، بر اساس قواعد مذکور اسمی که بعد از اسم اشاره می آید اگر دارای « أَل » باشد اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می شود که در گزینه « ج » به صورت جمع ترجمه شده (این ها گناهکارانی ...) که غلط است.

الجواب

٦٧- عَيْنَ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ لِلتَّرْجِمَةِ:

(سراسری هنر ۸۸)

- « تَشَعَّرُ الطَّالِبَاتُ بِالسَّكِينَةِ حِينَمَا يُشَاهِدْنَ نَجَاحَهُنَّ فِي الْامْتِحَانَاتِ »
 (أ) دَانِشْ آمُوزَانِ وَقْتِ قَبُولِ خُودِ رَا دَرِ اِمْتِحَانِ مِی بِنِنْدِ اِحْسَاسِ اَرَامِشِ مِی کِنْدِ.
 (ب) هِنْگَاهِی کِه دَانِشْ آمُوزَانِ نَتِیجَهْ اِمْتِحَانَاتِ رَا دِیدِنْدِ اَرَامِشِ زِیادِی بِه اَنهَا دَسْتِ دَادِ.
 (ج) شَاگِرْدَانِ اَرَامِشِ رَا حَسِ مِی کِنْدِ وَقْتِی اَز مَوْفِقیَتِ خُویِشِ دَرِ اِمْتِحَانَاتِ مَطْلَعِ شُوندِ.
 (د) وَقْتِی کِه شَاگِرْدَانِ قَبُولِ خُودِ رَا دَرِ اِمْتِحَانِ دِیدِنْدِ اِحْسَاسِ اَرَامِشِ بِه اَنهَا دَسْتِ دَادِ.
 فعل « تَشَعَّرُ بِالسَّكِينَةِ » یعنی احساس آرامش می کند، در گزینه « أ » کلمه « زِیادِی » ، در گزینه « ج » فعل « مَطْلَعِ شُوندِ » و در گزینه « د » ترجمه « دِیدِنْدِ » به صورت گذشته و همچنین ترجمه « احساس آرامش به اَنهَا دَسْتِ دَادِ » باعث شد تا ترجمه نادرست باشد، لذا ترجمه دقیق تر گزینه « أ » می باشد.

الجواب

« صیانهُ المالِ العامِّ »

(الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ)

نحنُ نتمتّعُ في حياتنا اليوميّةِ بكثيرٍ مِنَ المرافقِ العامّةِ، كالقطاراتِ، والسّيّاراتِ، و الحداثِقِ العامّةِ و المُستشفيّاتِ الحُكوميّةِ، والمدارسِ و غيرِ ذلكِ.

وهذهِ المرافقُ تملكُها الأُمّةُ كُلُّها؛ لأنّها أقامتْها ممالِ أبنائها، فكلُّ مِنّا يشعُرُ بِمِلْكِيّتهِ لها، و عليهِ أن يزعّاها و يحافظَ عليها حتّى تبقى سليمةً، و يُمكن الانتفاعُ بها إلى أقصى حدّ.

إنّ صيانةَ المَواطنِ للمالِ العامِّ واجبٌ، لذا فهو يخرِصُ عليه كما يخرِصُ على مالِهِ الخاصِّ؛ لأنّه يعلمُ أن الممالِ العامِّ هو مالٌ لجميعِ أفرادِ الوَطَنِ، و أنّ الاستيلاءَ عليه أو التّفريطَ فيه يُعدُّ جَرميّةً و خيانهً.

و قد حذّر رسولُ اللهِ ﷺ مِنَ التّفريطِ فِي الممالِ العامِّ فقال: « إنَّ رِجالاً يَتَخَوِّضُونَ فِي مالِ اللهِ بِغيرِ حَقِّ لَهُم النارُ يومَ القيامةِ. »

وهذا توجيهُ نبويّ حَكيمٌ، يُنذِرُ و يُحذّرُ الذين يتصرّفون في الأموالِ العامّةِ بالباطلِ.

أما في عَصْرِنَا الحاضرِ، فصيانةُ الممالِ العامِّ تتمثّلُ في حُسنِ التّعاملِ مَعَ مُمتلكاتِ الدّولةِ والمرافِقِ العامّةِ مثل: المَباني الحُكوميّةِ، و أثاثها، والمدارسِ و الحداثِقِ العامّةِ و غيرِها.

إنّ الحرِصَ على الممالِ العامِّ واجبٌ دينيٌّ و وَطَنِيٌّ؛ لأنّه يُنفَقُ فِي خَيْرِ الوَطَنِ، و يُستعانُ بِهِ فِي التّنميّةِ و إقامةِ المُشروعاتِ العامّةِ الّتي تخدمُ أبناءَ الوَطَنِ.

الْمُعْجَمُ:

الاستيلاء: جبري أقامتها ب: استمرار یافت إلى أقصى حدّ: تا حدّ ممكن الانتفاع: بهره بردن تبقى سليمةً: سالم باقى مى ماند تتمتّل: خود را نشان مى دهد التفريط: کوتاهی تمتلكها: مالک آن است التنميّة: رشد	حذّر: هشدار داد حُسن التّعامل: برخورد خوب صيانة: نگهداری المباني الحُكوميّة: ساختمانهای دولتي المرافِقِ العامّة: تأسيسات عمومي المُستشفيّاتِ الحُكوميّة: بیمارستانهای دولتي مُمتلكات: دارایی ها مُواطن: شهروند، هم میهن تتمتّع: بهره مى بریم	يتخوّضون: غوطه ور مى شوند يتصرّفون: تصرف مى کنند يخرِصُ على مالِهِ: مراقب مالش است يشعُرُ ب: احساس مى کند يُعدّ: به حساب مى آيد يزعّاها: به آن توجه مى کند يُستعانُ: طلب کمک مى شود يُنذِرُ: هشدار مى دهد يُنْفَقُ: هزینه مى شود
--	--	--

إقرأ النّصّ ثمّ:

عَيِّنِ الصّحيحَ وَ الخَطَأَ حَسَبَ النّصّ.

أ (مظاهرِ الممالِ العامِّ فِي المدارسِ.

ب) يجب على المَواطنِينَ الحِفاظَ على الممالِ العامِّ.

ج) الاستيلاءُ على الأموالِ العامّةِ لا يُعدُّ جَرميّةً و خيانهً.

د) حذّر رسولُ اللهِ ﷺ مِنَ التّفريطِ فِي الممالِ العامِّ.

هـ) المَرافقِ العامّةِ هي الأماكِنُ الّتي يَمَلِكُها بعضُ الأُمّةِ.

و) المَباني الحُكوميّةِ وَ الحداثِقِ العامّةِ، مِنَ الأموالِ العامّةِ.

@arabic_yazdahom